

دختر مقاومت

فوران

من د ختر مقاومت ورنج و آتشم
چون آهوان دشت و دمن مست و سرکشم
"بی اعتنا به مخمل و ابریشم" و طلا
با عشق آتشین
با شعر د لنتشین
با خلق رنجبر
با خلق کارگر
میرم به کارزار نبرد با ستمگران
با اژدهای وحشت و با دیو این زمان
من د ختر مقاومت ورنج و آتشم
چون آهوان دشت و دمن مست و سرکشم
د ستهای من بجای حنا
بادرفش سرخ
آذین بسته است
"عشقم طلا"، فیشن و مود، زمانه نیست
در ذهن من ز گونه نمودها، نشانه نیست
"افکار من بلند"
"بی اعتنا به مخمل و ابریشم" و طلا
با عشق آتشین
با شعر د لنتشین
با خلق رنجبر
با خلق کارگر
میرم به کارزار نبرد با ستمگران
با اژدهای وحشت و با دیو این زمان
با آنکه این نبرد
بسی سخت و مشکل است
مهمانی، عروسی
رقص و سرود نیست؟

اما!

در این نبرد
با عزم آهنین
با عشق آتشین
باشعر دلنشین
با خلق رنجبر
با خلق کارگر
بر غول پاگلین
بر ربیر کاغذین
پیروز می شوم
پیروز می شوم
آنگاه جهان دیگری آباد میکنم
زین کار خویش
خلق جهان شاد میکنم
پاینده باد خلق
پاینده باد خلق

انقلابی نمای تسلیم طلب

گفتی که من ستاره " سرخم" در این وطن
دیدم که شمع بوده ای بی نور و بی فطن
گفتی که سر به عشق وطن میکنم فدا
دیدم چو خائنی ز وطن گشته ای جدا
گفتی روم به ده و دیار پیش توده ها
دیدم که رفته ای ولی با سوی امریکا
گفتی که بگذرم ز نفع خویش بر خلق
دیدم فروشدی به نفع خویش تا به حلق
دیگر ز دوستی و وفا در وطن ملاف
بگذار سلاح زنگ زده خویش در غلاف

رهروان راه آزادی

الا ای رهروان
راه آزادی و خوشبختی
انسان های
در بند غل و زنجیر
استعمار و استثمار
مگیرید!
خاننان و جانپان
این هرزه انسان های
نفرین کرده تاریخ
را دوستان
شما ای تازه گل های
که رنگ ارغوان دارید
ز گنداب کثیف
هرزه انسان های
نفرین کرده ای
تاریخ این کشور
بپرهیزید
مباد!
بد بو گران شوم
دامان سپید
راه تان را
لکه دار سازد
شما در ژرفنای
راه تان
خورشید تابان
در بغل دارید